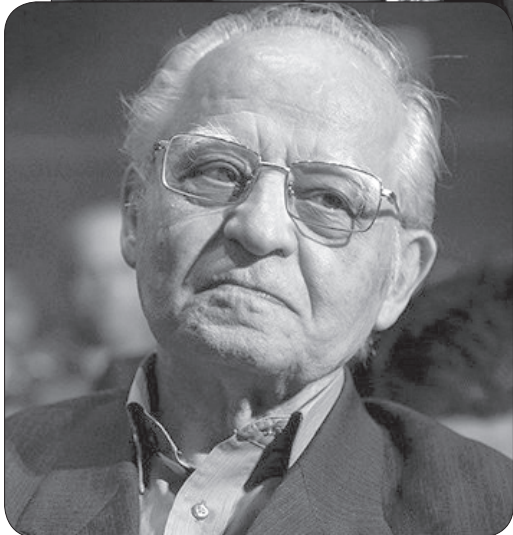




در گفت‌وگوی اختصاصی مردم‌نو با یک آهنگ‌ساز و منتقد موسیقی به‌بهانه سالروز تولد حسین دهلوی؛

استاد دهلوی بزرگ‌ترین موزیسین زنده ایران است



اشاره: حسین دهلوی، زاده ۷ مهر ۱۳۰۶ در تهران و موسیقی‌دان، آهنگساز و رهبر ارکستر ایرانی است. دهلوی، در تهران به‌دنیا آمد. او آموزش موسیقی را از پنج سالگی نزد پدرش، معزالدین دهلوی که از شاگردان علی‌اکبر شهنازی بود، آغاز کرد و در ۹ سالگی با تشویق مادرش به ساز ویولن علاقه‌مند شد.

فراگیری ویلن را نزد ابوالحسن صبا پی گرفت. او همچنین در هنرستان عالی موسیقی نزد حسین ناصحی و هایمو توپیر آهنگسازی را فراگرفت. او به شکل خصوصی در این زمینه از آموزش‌های توماس کریستین داوید نیز بهره‌مند شد. «باله بیژن و منبژه» و «سبکبال» از پرآوازه‌ترین آثار او است.

در نوزدهمین دوره انتخاب کتاب سال در سال ۱۳۷۹ کتاب «پیوند شعر و موسیقی آوازی» نوشته حسین دهلوی – برنده جایزه کتاب

سال شد. او در سومین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان «چهره ماندگار» معرفی شد.

پس‌از درگذشت استاد صبا در سال ۱۳۳۶ رهبری ارکستر شماره یک اداره هنرهای زیبا که بعداً «ارکستر صبا» نامیده شد به دهلوی واگذار شد. حسین دهلوی، در سال ۱۳۴۱ به ریاست هنرستان موسیقی ملی برگزیده شد و تا فروردین ۱۳۵۰ این سمت را عهده‌دار بود. او خود در دوره دوم هنرستان رشته‌های تئوری موسیقی ایران، تلفیق شعر و موسیقی، فرم موسیقی ایران، هارمونی و ارکستر را انتخاب آموزش می‌داد. در این سال، وی برای سفر دو ساله مطالعاتی به آلمان و اتریش رفت.

دهلوی در زمینه نوآوری در موسیقی ایرانی تلاش‌های زیادی داشته‌است. تدوین متد تمبک به‌وسیله او و جمعی دیگر ازجمله حسین تهرانی، مصطفی پورتراب، فرهاد فخرالدینی و هوشنگ ظریف برای بهبود جایگاه تمبک در موسیقی ایرانی و آسان‌سازی آموزش این ساز، توجه به ساخت سننور کروماتیک برای جبران مشکل کوک این ساز برای استفاده در ارکستر ازجمله این مواردند.

مردم‌نو؛ سجاد پورقناد، زاده ۱۳۶۰در تهران و نوازنده تار و سه‌تار، خواننده آواز اپراتیک، روزنامه‌نگار ایرانی، مؤسس جشنواره نوشتارها و سایت‌های موسیقی و سردبیر مجله «گفتگوی هارمونیک» است.

موسیقی را از سال ۱۳۷۷ با فراگیری ساز سه تار نزد مسعود شعاری و تئوری موسیقی نزد هوشنگ کامکار شروع کرد و پس‌از آن از محضر استادانی مانند حسین دهلوی، منوچهر صهبایی، کیوان میرهادی، شاپور رحیمی، علی نوربخش، بهرام ساعد، محمدمسعود شریفیان، فلورانس لپیت، خسرو علمیه، آروین صداقت‌کیش، هومان اسعدی، محسن حجازیان، محمدرضا آذرافر و پیام یوسف استفاده کرد.

پورقناد از سال ۱۳۷۸ یکی‌از اولین فعالان موسیقی در فضای اینترنت بود و به‌صورت پراکنده به فعالیت‌های نوشتاری در زمینه موسیقی می‌پرداخت. پس‌از سامان گیری سایت‌های موسیقی فارسی‌زبان در اینترنت، او همکاری خود را با این سایت‌ها آغاز کرد و پس‌از تأسیس ژورنال روزانه موسیقی «گفتگوی هارمونیک» مدتی به‌صورت نویسنده این سایت و بعداز سه سال به سردبیری این مجله رسید که این پست تا امروز در اختیار اوست. وی غیر از این فعالیت‌های اینترنتی، در روزنامه‌های فارسی‌زبان نیز فعالیت داشته‌است. او مقالات زیادی در روزنامه کلمه سبز، روزنامه شرق، روزنامه بهار، روزنامه ایران، روزنامه روزگار و روزنامه آرمان داشته است. همچنین در مجله‌های کاغذی همچون مجله هنر موسیقی و مجله هفت هنر مقالاتی داشته‌است. مردم‌نو، به‌بهانه سالروز تولد استاد حسین دهلوی، گفت‌وویی با سجاد پورقناد داشته که در ادامه می‌خوانید.

درباره نحوه و میزان آشنایی‌تان با استاد دهلوی بگویید.

ایشان را خیلی سال پیش‌از آشنایی، می‌شناختم. از قدیم نوار کاست یکی‌از آلبوم‌های ایشان به دستم رسیده بود که این آلبوم را بسیار دوست داشتم و گوش می‌دادم. بعداز مدتی در سال ۱۳۸۲، این خوشبختی نصیب من شد و به‌واسطه یکی‌از دوستانم به نام آقای نصیری که با استاد در ارتباط بودند، چند سالی با استاد دهلوی در ارتباط باشم و سپس کلاس‌های «پیوند شعر و موسیقی» را که در منزل ایشان برگزار می‌شد، شرکت کردم. آقای دهلوی در آن زمان به‌تازگی دچار مشکل آلزایمر شده بودند و این بیماری در حال رشد بود. من به ایشان خیلی سر می‌زدم و به دکتر می‌بردم یا کارهای دیگری که داشتند برای‌شان انجام می‌دادم. دکتر ایشان تجویز کرده بود که حتماً به سینما بروند؛ هفته‌ای یک یا دو بار، استاد را به سینما می‌بردم و بعد ایشان را به منزل بازمی‌گردانم. خیلی مواقع هم در پارکی نزدیک منزلشان با ایشان به پیاده‌روی می‌رفتم. اتفاقاً اولین‌باری که با ایشان صحبت کردم، در همین پارک مشغول پیاده‌روی بودند.

این برنامه‌های متنوع سینما و پیاده‌روی‌ها با استاد، تا سال ۱۳۹۰ ادامه داشت.

اگر بخواهید در چند جمله ایشان را وصف کنید، چه می‌گویید؟

وصف کردن استاد در چند جمله کار بسیار سختی است، اما می‌توانم بگویم ایشان به‌لحاظ آکادمیک بزرگ‌ترین موزیسین زنده ایران هستند. یعنی اگر بخواهیم دو موزیسین را نام ببریم که خدمت بسیار زیادی به موسیقی ایرانی کرده‌اند، ابتدا باید نام استاد وزیری را بگوییم که بنیان‌گذار این مکتب بوده‌اند و دوم کسی است که این مکتب را به اوج رسانده و آن یکنفر آقای دهلوی است. استاد دهلوی در مورد استانداردهای سازهای ایرانی، هارمونی نوشتن برای موسیقی ایرانی، استفاده از سازهای ایرانی در ارکسترهای بزرگ و در گروه‌نوازی چه با سازهای ایرانی و چه در کنار سازهای غیرایرانی تلاش بسیاری کرده‌اند و خیلی با دقت و نظم، همراهی‌ها را سامان داده‌اند و در موردش نوشته‌اند.

استاد حسین دهلوی، همان‌طور که شما هم اشاره کردید، آهنگ‌سازی است که به مقوله اصلاح ساختمان سازها سازهای ایرانی توجه بسیار داشته است.

در خصوص اصلاح بر روی ساختمان سازها توسط ایشان، توضیح دهید.

ایشان برای سازها، کارهای بسیار زیادی انجام داده‌اند، به‌خاطر اینکه به‌صورت کاملاً جدی، سازهای ایرانی را در ارکسترها استفاده می‌کردند، هم ارکستر غربی و هم ارکستر ایرانی. درواقع می‌توانم بگویم ارکستر تلفیقی از سازهای ایرانی و غربی. این استفاده از سازهای ایرانی مانند بسیاری از آهنگ‌سازهای ایرانی تنها یک رنگ‌آمیزی ساده نداشت. به‌عنوان مثال یک ارکستر به‌طور کامل غربی است و فقط یک تار در این میان وجود دارد که آن‌ها هم به‌وسله تقویت صدا با میکروفون، صدایش را زیاد می‌کنند و جمله‌ای در میان اصوات مختلف ارکستر از تار هم نواخته می‌شود و یک رنگ‌آمیزی ساده در این میان به‌وجود می‌آید.

آقای دهلوی نگاهشان به سازهای ایرانی به این صورت نبوده است. همان‌طور که سازهای ارکستر سمفونیک در بخش آهنگ‌سازی و در بخش چندصدایی کار و موسیقی چندصدایی اجرا می‌کنند و چیزی که اجرا می‌شود هارمونی و کنترپوان دارد، سازهای ایرانی هم در این ارکستر همین کارها را انجام می‌دهند؛ لذا برای این همراهی سازهای ایرانی با ارکستر نیاز بود دست به تغییر برخی سازها ببرند، به‌همین دلیل ابتدا پیشنهاد دادند تعدادی از سازهای ایرانی که این امکان را ندارند، امکان تمیز نواخته‌شدن ندارند و صدای‌شان بسیار با یکدیگر درهم می‌آمیزد مانند نی که در آن زمان نت «سی» نداشته است، اصلاح شود و آقای حسین عمومی این‌کار را کردند، البته هیچ‌وقت فرصت نشد که ایشان از نی در کارهایشان استفاده کنند.

از کمانچه و قیچک هیچ‌وقت استفاده نکردند. به این دلیل که اعتقاد داشتند به‌خاطر

مصاحبه

پوست ساز در هنگام ارتعاش سیم‌ها، صدای اضافه از آن‌ها تولید می‌شود و نیاز به اصلاح دارند که این اصلاح هنوز هم اتفاق نیافتاده است. به‌تازگی برخی سازسازان مانند آقای ضیایی درحال انجام تغییرات برای رفع این اشکال هستند.

در مورد تار؛ سیم پنجم تار یعنی سیم هنگام را در ارکستر حذف کردند و در مورد سننور؛ پیشنهاد ساخت سننورهایی را دادند که این سننورها می‌توانستند به‌صورت کروماتیک اجرا کنند و کوک شوند.

ایشان در نوشتن متد آموزشی سه ساز، همفکری کردند. یکی از این سازها تمبک بود و برای اولین‌بار بود که متد آن نوشته می‌شد. دیگری ساز قانون بود که بازهم برای اولین‌بار، متد آموزشی برای آن در ایران نوشته می‌شد. سومین ساز هم عود بود. متد آموزشی برای ساز عود هم برای اولین‌بار بود که در ایران نوشته می‌شد.

کتاب‌های مربوط به قانون و عود بیشتر با مشاوره ایشان نوشته شده‌اند، اما کتاب تمبک با همکاری حسین تهرانی، کاملاً زیرنظر استاد دهلوی و به پیشنهاد ایشان نوشته شده است.

اولین اثر ایشان با نام «سبکبال» برای ارکستر ملی نوشته شد، کمی درباره این قطعه بگویید.

«سبکبال» یکی از آثار بسیار معروف ایشان است که درواقع اولین اثری است که استاد دهلوی آهنگ‌سازی آن‌را انجام دادند که این خود نشان‌دهنده استعداد و قریحه بسیار خوب آهنگ‌سازی ایشان است. زمانی که ایشان شاگرد آهنگ‌سازی استاد حسین ناصحی شده بودند، این قطعه را می‌سازند که البته به‌گفته آقای دهلوی: «به‌دلیل استفاده از ربع پرده، استاد ناصحی از این اثر استقبال نکردند؛ چراکه من در سرکلید کار «ربع پرده» گذاشته بودم.»

ایرای «مانا و مانی» برای کودکان، مدت‌ها اجازه اجرا نداشت و در سال ۱۳۹۱ توسط علی رهبری با ارکستر فیلاز مونیک برایتسلاوا اجرا شد. علت این وقفه چه بود؟ ایشان تا زمانی که در سلامت بودند، نتوانستند این اپرا را اجرا کنند.

مانا و مانی یک اپرا برای کودکان است و از صداهای مختلفی در آن استفاده شده است ازجمله صدای دختربچه و صداهایی مربوط به گرگ که باید صدای مادر گرگ‌ها را یک خواننده خانم اجرا می‌کرد. به‌همین دلیل برای انتشار این‌کار مشکل به‌وجود آمد و هیچ‌وقت اجازه اجرا و ضبط پیدا نکرد. البته در قوانین وزارت ارشاد زمانی که خانم‌ها صدایشان را تغییر می‌دهند، می‌توانند محوز ضبط برای آن اثر بگیرند، اما آقای دهلوی این قانون را نمی‌دانستند و به‌همین دلیل هیچ‌وقت آن‌را پیگیری نکردند، با اینکه سال‌های بسیاری از اینکه این اپرا مجوز نمی‌گیرد، ناراضی بودند.

آقای رهبری در برایتسلاوا فقط بخش ارکستر این اثر را ضبط کردند. چون خواننده‌های ایرانی نیاز داشت. تا امروز بخش ارکسترال این اثر ضبط شده، بخش کر و سولیس‌تها ضبط نشده‌اند.

از میان آثار ایشان کدام را با نگاه و سلیقه شخصی انتخاب می‌کنید؟ دلیل انتخابتان را هم بگویید.

اگر بخواهم بین آثار ایشان یک اثر را انتخاب کنم که کار بسیار سختی است، «بیژن و منبژه» برای ارکستر سمفونیک را انتخاب می‌کنم که یکی از با ارزش‌ترین آثار سمفونیک ایرانی است. این اثر توسط ارکستر فیلاز مونیک نورمبرگ به رهبری آقای علی رهبری و ارکستر رادیو وین به رهبری پروفسور کریستسن داوید اجرا و ضبط شده است.

کتاب ایشان به نام «پیوند موسیقی آوازی و شعر» که جوایز متعددی داشته به چه می‌پردازد و خواندن آن‌را به چه کسی توصیه می‌کنید؟

این کتاب به‌گفته صاحب‌نظران، کتابی است یگانه. نه‌تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا. «پیوند موسیقی آوازی و شعر» درباره موضوع بسیار مهمی صحبت می‌کند؛ اینکه چگونه می‌توانیم آکسنت‌هایی را که توسط فرکانس‌های بالا و پایین‌روی کلمات می‌گذاریم و معنی آن‌ها را عوض می‌کنند، در موسقی هم به‌کار ببریم، به‌طوری که معنی آن‌ها دچار اختلال نشود. این کتاب سال‌هاست جزء دروس اصلی دانشگاه‌ها جای گرفته و خواندن آن برای کسانی که حتی آشنایی ابتدایی با موسیقی دارند، توصیه می‌شود. مخصوصاً کسانی که در رشته ادبیات تحصیل می‌کنند، مناسب است که این کتاب را به کمک کسی که با موسیقی آشناست مطالعه کنند؛ چراکه بخش موسیقی آن سخت نیست و می‌توانند کمک بگیرند و آشنا شوند.

استاد حسین دهلوی هنرمند بسیار بزرگی است که موسیقی ایران‌زمین به ایشان مدیون است، اما متأسفانه بسیاری ایشان را نمی‌شناسند، حتی کسانی که در زمینه موسیقی به اشکال مختلف فعالیت دارند. علت این ناشناخته ماندن چیست؟

دلیل اینکه آقای دهلوی آن‌طور که باید، مورد توجه قرار نگرفته‌اند، مخصوصاً بعداز انقلاب، به‌خاطر ذهنیت‌های است که آن‌مان شکل‌گرفته بود؛ ذهنیت‌هایی درباره برداشتی که از موسیقی ایرانی می‌شد. می‌توانم بگویم که امروز می‌دانیم که برداشت اشتباهی بوده است. بسیاری از موزیسین‌ها هرنوع اختلاط موسیقی ایران را با چیزی که موسیقی غربی می‌نامیدند، یک اشتباه بزرگ دانسته و آن‌را نمودی از غرب‌زدگی عنوان می‌کردند، درصورتی که از یک موضوع اطلاع نداشتند؛ نیای موسیقی ایرانی و غربی یکبست و یک موسیقی در قدیم بوده به نام موسیقی آریایی و بعدها این موسیقی از طریق یونان به اروپا می‌رود و موسیقی کلاسیک اروپا را تشکیل می‌دهد. اینکه موسیقی ایرانی را دسته‌بندی کنیم و بگوییم موسیقی ایرانی، موسیقی شرقی محسوب می‌شود و موسیقی اروپا، موسیقی غربی، اشتباه بسیار بزرگی بوده است؛ چراکه اگر ما بخواهیم در موسیقی چنین تقسیم‌بندی انجام دهیم، موسیقی شرق دور شامل هندوآزای چین و ژاپن، موسیقی شرقی هستند و موسیقی آن‌ها هیچ ارتباطی با موسیقی ایرانی ما ندارد، اما موسیقی ما ارتباط بسیار زیادی با موسیقی غربی دارد. چنین تفکر اشتباهی باعث شد که بسیاری از موزیسین‌ها از جمله آقای دهلوی که روی تلفیق موسیقی غربی و ایرانی کارهای زیادی نوشتند، به‌عنوان آهنگ‌سازان تحت‌تأثیر غرب و غرب‌زده معرفی شوند.

در حال حاضر ایشان کجا هستند؟ به چه کاری مشغولند و وضعیت جسمی ایشان چگونه است؟

در حال حاضر ایشان گاهی منزل خودشان و گاهی منزل خواهر و برادرشان هستند. متأسفانه هم‌اکنون فراموشی ایشان بسیار زیاد شده و خیلی کمتر صحبت کرده و کمتر کسی را به‌خاطر می‌آورد.

و سخن پایانی؟

می‌دانم صحبت درباره آقای دهلوی بسیار زیاد است و کار سختی است که بتوانم در یک وقت کوتاه درباره ایشان چیزی بگویم. تنها، توصیه‌ام این است که از طریق اینترنت و مجلات درباره آقای دهلوی مطالعه کنند و بیشتر بدانند. مخصوصاً کسانی که اهل موسیقی هستند. کسانی که موسیقی ایرانی یا موسیقی کلاسیک غربی تحصیل می‌کنند یا دوره می‌بینند، حتماً باید با ایشان آشنا باشند. به‌خوبی آثار ایشان را بشناسند و از آثارشان مهم‌تر باید با شخصیت و نوع تفکر ایشان آشنا شوند.

”

آقای دهلوی نگاهشان به

سازهای ایرانی

به این صورت بود؛ همان‌طور که

سازهای ارکستر

سمفونیک در بخش

آهنگ‌سازی و در

بخش چندصدایی

کار و موسیقی

چندصدایی اجرا

می‌کنند و چیزی

که اجرا می‌شود

هارمونی و کنترپوان

دارد، سازهای

ایرانی هم در این

ارکستر همین کارها

را انجام می‌دهند؛

لذا برای این

همراهی سازهای

ایرانی با ارکستر

نیاز بود دست به

تغییر برخی سازها

ببرند، به‌همین

دلیل ابتدا پیشنهاد

دادند تعدادی از

سازهای ایرانی

که این امکان را

ندارند، امکان تمیز

نواخته‌شدن ندارند

و صدای‌شان بسیار

با یکدیگر

درهم می‌آمیزد،

اصلاح شود

“